

نوآوری از طریق آموزش غیرمستقیم و مهارتی

صحبت با شادی جمشیدی

مترجم کتاب‌های نوآوری آموزشی در اندونزی و کره

به کوشش دکتر ابوالفضل بختیاری
عکاس: اعظم لاریجانی

چه شد در زمینه فعالیت‌های نوآوری آموزشی دست به مطالعه و ترجمه زدید؟

چند سال پیش نسخه‌ای الکترونیکی از مجله‌ی پیام یونسکو را به زبان فرانسه دیدم و شروع به ترجمه‌ی آن کردم. همکاری‌ام ادامه یافت تا به مجموعه‌ای ۴۴ جلدی برخوردیم که مرکز «پژوهش‌های بین‌المللی آموزش و نوآوری آموزش یونسکو» آن را چاپ کرده بود. دو مورد را که مربوط به اندونزی و کره بودند، انتخاب کردم. نمونه‌ی اندونزی به شرایط کشور ما نزدیک‌تر و برایم جالب توجه بود. به این موضوع پی بردم که مشکلات آموزشی اندونزی مشکل بسیاری از کشورهای آسیایی است، اما راه‌حل‌های ارائه شده ممکن است با شیوه‌های دیگر کشورها متفاوت باشد.

اصل این کتاب که اداره‌ی توسعه‌ی آموزش وزارت آموزش و فرهنگ جاکارتا آن را به چاپ رسانده است، شامل چهار بخش اصلی است: ۱. نوآوری در زمینه‌ی برنامه‌ریزی، توسعه و ارزیابی آموزش؛ ۲. نوآوری در آموزش ابتدایی و متوسطه؛ ۳. نوآوری در آموزش غیررسمی؛ ۴. نوآوری‌های دیگر. در بخش اول درباره‌ی نوآوری در زمینه‌ی برنامه‌ریزی، توسعه و ارزیابی آموزشی و فعالیت‌های انجام شده در این زمینه، توضیحاتی داده می‌شود و همچنین درباره‌ی تحقیقاتی که درباره‌ی نیروی انسانی (آموزگاران و کادر آموزشی)، تقاضا برای آموزش (دانش‌آموزان)، مسائل مالی آموزش، مدیریت، تأسیسات، تجهیزات، روش‌های یادگیری و آموزش انجام شده است، مواردی بیان می‌شود.

رویکرد برنامه‌ریزی آموزشی در اندونزی به چه شکلی بوده است؟

کتاب می‌گوید، شرایط توسعه و مدیریت آموزش در اندونزی از این قرار است که تصمیمات مطابق با نیازها اخذ می‌شوند و

اشاره

حتی اذهان عمومی نیز اهمیت آموزش‌های مهارتی را تأیید می‌کنند و آن را در کنار آموزش‌های رسمی ضروری می‌دانند. در دو شماره از مجله‌ی رشد آموزش ابتدایی، به «نقش افسانه و اسطوره در آموزش» و «کلاس‌های شناور» پرداختیم.

در مجموعه مقالات نوآوری در آموزش، تأکید ما بر افزایش همدلی و برخورداری از توان حل مسائل اجتماعی بود که به‌طور غیرمستقیم دانش‌آموزان و فراگیرندگان را با پیوند گروهی، روح خلاقیت و آثار عملی گفت‌وگو در زمینه‌ی نوآوری آشنا می‌ساخت.

در این شماره، طی گفت‌وگویی، با تجربه‌ی نوآوری آموزشی اندونزی از زبان یک مترجم روبه‌رو می‌شویم. شادی جمشیدی در سال ۱۳۹۴، متن مطالعه‌ای از «مرکز آسیایی نوآوری‌های آموزشی برای توسعه» مربوط به انتشارات یونسکو را درباره‌ی فعالیت نوآوری آموزشی اندونزی ترجمه کرده و به چاپ رسانده است. به گفته‌ی مترجم، هدف از این مطالعه احیای موضوع اقتصاد بوده است و اینکه اصلاحاتی در زمینه‌ی آموزش ایجاد کند. از جایی که وضعیت اقتصادی اندونزی به ایران نزدیک‌تر است، نظر تان را به پاسخ‌های شادی جمشیدی در این زمینه جلب می‌کنیم.

خانم جمشیدی فعالیت‌های شما در چه زمینه‌هایی است؟

من به زبان فرانسه آشنا هستم و در زمینه‌ی ترجمه‌ی کتاب و مقاله از فرانسه به فارسی و بیشتر با موضوع‌های فرهنگی فعالیت می‌کنم. ترجمه‌هایم در روزنامه‌ها و البته در مجلات خاص کودک و نوجوان یا خانواده چاپ می‌شود.

بدون ارزیابی شرایط واقعی و در نظر گرفتن نتایج یا تأثیرات ثانویه این تصمیمات، اجرای نظام آموزشی به صورت سطحی و بدون تفکر درباره آینده انجام می‌شود و این وضعیت، نیروهایی را که در جریان کار هستند آزاد می‌گذارد. به‌طور کلی، به‌هیچ‌وجه رویکردی یکپارچه و منسجم و با هدف توسعه و بهبود در نظام آموزشی در کل مجموعه‌ی آن، چه در مدت متوسط معمولی و چه در طولانی مدت، وجود ندارد.

از نوآوری‌ها در آموزش غیررسمی صحبت شد. این آموزش‌ها به چه صورت در این کشور انجام شدند؟

هنگام مطالعه‌ی این کتاب، بخش نوآوری‌های غیررسمی توجه مرا خیلی جلب کرد. شاید بتوانم بگویم که انگیزه‌ی اصلی برای ترجمه و چاپ این کتاب، هنگام مطالعه‌ی بخش آموزش غیررسمی در من ایجاد شد، چرا که به نظرم آمد برای کشور ما و مناطق دور از مرکز می‌تواند بسیار مفید باشد. شاید بتوان از این بخش برای آموزش در مناطق کمتر برخوردار استفاده کرد. در این بخش چنین می‌خوانیم:

با وجود گوناگونی در مذاهب و گروه‌های فرهنگی و زبانی، کشور اندونزی به سنت بسیار ریشه‌دار خود، یعنی «مشارکت متقابل»، وفادار مانده است؛ سنتی که به روشی بسیار تأثیرگذار در سطح ملی عمل می‌کند و به نیازهای گروه‌های محلی (شهرستان‌ها و روستاها) پاسخگوست. این سنت در نوآوری‌های آموزش نقش‌های مهمی را ایفا کرده است.

صدها هزار داوطلب که بسیاری از آن‌ها خودشان به سختی باسواد بودند، استخدام شدند و با استفاده از دوره‌های سریع آموزش دیدند و به روستاها فرستاده شدند تا در آنجا خواندن و نوشتن را آموزش دهند. چون این آموزگاران داوطلب هیچ



حقوقی برای کار خود دریافت نمی‌کردند، روستاییان غذا و مسکن آنان را تأمین می‌کردند. مردم خودشان پول لازم برای تهیه‌ی لوازم آموزشی اولیه را جمع‌آوری می‌کردند.

آیا توضیح بیشتری درباره‌ی آموزش غیررسمی و مثلاً همکاری میان مدرسه و مردم در این پروژه می‌دهید؟

این پروژه در نوع خود بی‌نظیر است و بخشی از پیچیده‌ترین مشکلی را که تقریباً همه‌ی کشورهای در حال توسعه با آن روبه‌رو هستند حل می‌کند. مسئله این بود که «چگونه یک نظام آموزش روستایی برقرار سازیم که نه تنها بچه‌ها را از زمین دور نکند، بلکه برعکس آن‌ها را تشویق کند که در منطقه‌ی خود باقی بمانند؛ مناطقی که اکثریت این بچه‌ها به آن‌ها تعلق دارند و زندگی در آن جزو سرنوشتشان است.»

نیروی محرکه‌ی این پروژه «بوپاتی» است. بوپاتی رئیس «رژانس» است. رژانس بخشی از دولت در روستاهاست که مستقیماً زیر نظر شهرستان قرار دارد. بوپاتی راه‌هایی را می‌ساخت که از طریق آن، بزرگان روستاها، تعاونی‌ها، جنبش پیشاهنگی، کشاورزان، معلمان و کارمندان اداری کشاورزی را به پیوستگی با یکدیگر هدایت می‌کرد تا بتوانند سطح زندگی را بهبود بخشند و همچنین تجربه‌ای موفق در زمینه‌ی آموزش‌های کشاورزی کسب کنند.

بوپاتی روستا را به عنوان واحد پایه‌ی طرح خود در نظر می‌گیرد. به‌طور سنتی، روستا به تنهایی پر تحرک و فعال نیست و پایگاه اقتصادی آن نیز خیلی بالا نیست، اما هر نظامی که بر چنین پایه‌ای بنا نهاده شود که هم‌زمان بتواند کشاورزان را متقاعد کند که این امکان وجود دارد که تولید کشاورزی افزایش یابد، بر پایه‌ی محکمی استوار است و چنین است که مشارکت روستاییان درست در قلب پروژه قرار دارد.

در نظام آموزش و پرورش اندونزی، آموختن مهارت‌های مهم، زندگی است. مدرسه فقط جایی برای آموزش‌های رسمی ادبیات، علوم و حساب نیست، بلکه آموزش‌های غیررسمی نیز در آن باید انجام شود. برای اینکه در مناطق کمتر برخوردار مانند برخی روستاها، دانش‌آموزان به دلایل اقتصادی روستا و آموختن را رها نکنند، گروه‌هایی تشکیل شده‌اند تا به امر آموزش غیررسمی بپردازند. این اقدام به‌منظور توسعه‌ی اقتصادی روستاست و سن و سال را عامل بازدارنده نمی‌داند و به همدلی و توانمندسازی روستاییان می‌اندیشد. آن‌ها می‌گویند بچه‌ها از زمین دور نشوند.